

Tahqīqāt-e Kalāmi

Islamic Theology Studies

An Academic Quarterly

Vol.11, No.40, April-June 2023

A Statistical-Analytical Study of the Belief Ḥadiths of the Silsilah al-Thahab in 'Uyūnu Akhbār al-Riḍā (AS) with an Emphasis on the General and Particular Imamate

Sayedah Mona Mousavi¹

Ahmad Beheshti Mehr²

Abstract

Silsilah al-Thahab (the Golden Chain) is the title of narrations in which there are several infallible imams, each imam narrates the narration from his father and finally it ends with God, the Prophet, Amīr al-Mu'minīn or Imām Hussayn (AS). For these hadiths, there is no specific definition in terms of the beginning or the end or the number of Imāms in its document. What is important is the existence of chain of several infallible Imāms in its document. Therefore, narrations that have a chain consisting of at least three infallible Imāms are also included under this title. The collection, comparison and analysis of such hadiths on the issue of Imamate led us to significant findings on the issues of Wilayah (Guardianship), immediate caliphate, appointment of Imamate, infallibility, knowledge, number, status and place of Imām and the position of Amīr al-Mu'minīn (the Commander of the Faithful; 'Alī); there have been achieved evidence and a valid answer to some doubts in this area, the most important of which is the doubt of the development and evolution of religious beliefs over time. The authenticity of some Shiite beliefs in imamate is another achievement of this research. The present article has been written for this purpose and with a statistical-analytical method.

Keywords: 'Uyūnu Akhbār al-Riḍā (AS), Silsilah al-Thahab (the Golden Chain), imamate, doubts about the study of imamate.

-
1. Doctorate, Department of Shi'a Studies in the Theology College of Qom University (responsible author). mon_2004_m@yahoo.com
 2. Doctorate, faculty member of Qom University. ahmadbeheshimehr@gmail.com

الأبحاث الكلامية

فصلية - علمية بحثية
السنة الحادية عشرة، العدد الرابعون
رمضان - ذى القعدة ١٤٤٤ هـ

دراسة احصائية- تحليلية حول احاديث سلسلة الذهب الاعتقادية في عيون اخبار الرضا معتمداً على الامامة الخاصة و العامة

سيده منا موسى^١
احمد بهشتي مهر^٢

المخلص

سلسلة الذهب عنوان للروايات التي يتضمن سندها عدد من الأئمة المعصومين؛ وينقل كل امام عن ابيه متصلاً و ينتهي السند الى الله تعالى و الرسول و امير المؤمنين او الامام الحسين عليه السلام. ليس لهذا النوع من الروايات تعريف محدد من حيث بدئها أو نهايتها أو عدد المعصومين في سندها. المهم هو الوجود التسلسلي لعدد من المعصومين في سند. فالحديث الذي يتضمن سنده على ثلاثة من المعصومين، يتصنف في ضمن هذه الاحاديث. إن جمع هذه الاحاديث و مقارنتها و تحليلها في امر الامامة، قد يوصلنا الى نتائج هامة في قضية الولاية و الخلافة و انتصابية الامامة و العصمة و عدد الأئمة و مكانة الامام و مقام اميرالمؤمنين عليه السلام و يوفر شواهد و اجابات محكمة عن بعض الشبهات الموجودة في هذا المجال التي من اهمها التطور و تكامل المعتقدات الدينية على مر العصور. تُعد أصالة بعض المعتقدات الشيعة حول معرفة الامام من نتائج أخرى لهذه الدراسة. و للوصول الى هذا الهدف، نُظمت هذه المقالة بأسلوب إحصائي- تحليلي.

الألفاظ المحورية

عيون اخبار الرضا، سلسلة الذهب، الإمامة، الشبهات حول معرفة الامام.

١. دكتوراة، معرفة الشيعة في كلية الالهييات بجامعة قم (الكاتب المسنول) (mon_2004_m@yahoo.com).
٢. دكتوراة، عضو هيئة التدريس بجامعة قم (ahmadbeheshtimehr@gmail.com).

تحقیقات کلامی

فصلنامه علمی پژوهشی

انجمن کلام اسلامی حوزه

سال یازدهم، شماره چهارم، بهار ۱۴۰۲

بررسی آماری- تحلیلی احادیث سلسله‌الذهب اعتقادی در عیون اخبارالرضا با تکیه بر امامت عامه و خاصه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۴

سیده منا موسوی^۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۲/۲۰

احمد بهشتی‌مهر^۲

چکیده

سلسله‌الذهب عنوان روایاتی است که در سند آن چند امام معصوم وجود دارد که هر امامی متصلاً از پدرش روایت را نقل می‌کند و در نهایت به خداوند، پیامبر، امیر مؤمنان یا امام حسین ختم می‌شود. برای این روایات، تعریف مشخصی از حیث شروع یا پایان یا تعداد امام در سند آن وجود ندارد. آنچه مهم است، وجود زنجیره‌وار چند امام معصوم در سند آن است. از این رو روایاتی که دارای سلسله‌ای متشکل از دست‌کم سه امام معصوم باشد نیز تحت این عنوان قرار می‌گیرد. گردآوری، مقایسه و تحلیل احادیث از این دست در موضوع امامت، ما را به یافته‌های معنی‌به در مسئله ولایت، خلافت بلافضل، انتصابی بودن امامت، عصمت، علم، تعداد، شأن و جایگاه امام و مقام امیر مؤمنان رساند؛ همچنین شاهد و پاسخ متقنی به برخی شبهات در این حیطه فراهم آورد که مهم‌ترین آن، شبهه تطوّر و تکامل باورهای دینی در طول زمان است. اصالت برخی باورهای امام‌شناختی شیعی، دست‌آورد دیگر این پژوهش است. نوشتار پیش‌رو به این منظور و با روش آماری- تحلیلی به نگارش درآمده است.

واژگان کلیدی

عیون اخبارالرضا، سلسله‌الذهب، امامت، شبهات امامت‌پژوهانه.

۱. دکتری تخصصی، شیعه‌شناسی دانشکده الهیات دانشگاه قم، نویسنده مسئول (mon_2004_m@yahoo.com).

۲. دکتری تخصصی، هیئت علمی دانشگاه قم (ahmadbeheshtimehr@gmail.com).

۱. جایگاه عقل و نقل در کلام

معارف دینی اعم از اعتقادات، اخلاق و احکام فقهی از دو راه کلی برای انسان قابل دست‌یابی است. گاه بشر مستقیم و با استفاده از توان‌مندی‌های معرفتی خویش به آن‌ها دست می‌یابد (مستقلات عقلیه) و گاه به واسطه وحی و سخنان معصومان به آن‌ها می‌رسد.

در روش‌شناسی علوم اسلامی برای هر مبحث اعتقادی، روشی ویژه تعریف می‌کنند؛ از جمله برای اثبات حجیت قرآن و روایات، نخست باید با بهره‌گیری از روش عقلی وجود خداوند، نبوت، امامت و... را اثبات کرد. سپس از قرآن -که کلام الهی است- و روایات -که مبین قرآن هستند-، می‌توان در نقش تأیید یا ارشاد یا تذکر استدلال‌های عقلی در مسائل اصولی کلام و نیز در اثبات فروع عقاید مانند جزئیات مربوط به معاد، نبوت خاصه و امامت خاصه استفاده کرد.

میراث دینی ما یک میراث عقلانی است و حجیت و نقش‌آفرینی عقل در شناخت معارف، مورد تأیید آیات (بقره: ۷۳ و ۷۶؛ انعام: ۵۰؛ قصص: ۷۲؛ ذاریات: ۲۱ و...) و روایات (سیدرضی، ۱۳۸۹: ۱۸۶؛ صدوق، ۱۳۹۸ق: ۳۵؛ کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۲ و ۳۵) است.

در طول تاریخ علم کلام نیز جریان‌های عقل‌گرایانه محض و تلفیقی وجود داشته‌اند. از همان قرن دوم که آغاز شکوفایی مباحثه‌ها و مناظره‌های کلامی بود، متکلمان امامی و معتزلی از تأملات عقلی بهره می‌بردند. بنابراین توانایی عقل و ضرورت استفاده از آن در فهم و تحلیل مسائل دینی، پوشیده نیست؛ اما عقل بشری به جهت محدودیتش، قادر به شناخت و ورود برخی عرصه‌ها نیست. قرآن در آیات متعددی این حقیقت را بیان می‌فرماید (اسراء: ۸۵؛ بقره: ۱۵۱ و ۲۱۶؛ نحل: ۷۸). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند بزرگ‌تر از آن است که عقول بشر با تفکر و تعقل او را متصور و محدود سازند.» (شریف‌رضی، ۱۳۸۹، خطبه ۱۵۵)

بر اساس روایات، انبیا و ائمه حجت بیرونی هستند (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ح ۱۲) و خداوند اراده کرده است که با اوامر و نواهی خود، مسیر سعادت و آداب ترقی اخلاق را که برای انسان‌ها مجهول است، تعلیم دهد (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۲۰۷). مجموعه این اوامر و نواهی همان منبع وحیانی ما را تشکیل می‌دهد که رجوع و تمسک به آن به فرموده پیامبر راه نجات و هدایت است (کلینی، ۱۳۶۵، ۱: ۲۹۴).

فلاسفه، متکلمان و عرفا هر کدام با دلایل گوناگون ضرورت وحی را تبیین کرده‌اند (ر.ک.

لاهیجی، ۱۳۸۳: ۳۵۸-۳۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۶: ۱۴۶-۲۴۹؛ محقق طوسی، ۱۴۰۷: ۲۱۱-۲۱۳؛ محقق طوسی، ۱۴۰۵: ۳۶۱-۳۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲: ۱۳۳ و...؛ بنابراین بهره‌وری از نور عقل در جایگاه واقعی خود ضروری است. اما فروغلتیدن در اموری فراتر از توان عقل بشری مایه تباهی و تزلزل است. از این رو مراجعه به وحی، در جایی که عقل توان پاسخ‌گویی به آن را ندارد، خود مصداق عقل‌گرایی است. گرچه آن‌جا که عقل درک مستقل دارد، ورود نقل در جهت تذکر، ارشاد و یا تأیید عقل است؛ چرا که یکی از رسالت‌های وحی، شکوفا کردن استعداد عقل و نهفته‌های درون است (شریف‌رضی، ۱۳۸۹: خطبه ۱)

۲. جایگاه خبر واحد در کلام

در منابع روایی، شمار روایات متواتر، محدود است. حجم چشم‌گیری از احادیث ما را اخبار آحاد تشکیل داده، ولی حجیت خبر واحدی که از طریق آحاد ثقه رسیده است، اما قرینه‌ای بر صدورش از معصوم وجود ندارد و دلالتش ظاهر و ظنی است، در حوزه اندیشه و اعتقادات، مورد اختلاف است. عمده‌ترین دلیل منکران حجیت خبر واحد این است که این نوع خبر یقین‌آور نیست و در اعتقادات، معرفت یقینی مطلوب است (ر.ک. سید مرتضی، ۱۴۱۰: ۵: ۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۱: ۸۵).

در پاسخ گفته شده است که در اصول اولیه دین، تحصیل باور مبتنی بر معرفت یقینی لازم است؛ اما در فروع عقاید تنها ایمان و تصدیق قلبی مطلوب شارع است و تصدیق قلبی می‌تواند از طریق شناخت ظنی معتبر نیز به دست آید. ظن معتبر ناشی از اخبار آحاد ثقه که همراه قرآنی باشد که اطمینان به محتوا را نتیجه دهد، اعتبار دارد (برنجکار، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۴، ۷۸-۷۹ و ۸۷).

مهم‌ترین دلیل موافقان حجیت خبر واحد ثقه، سیره و بنای عقلا است که مورد تأیید و امضای شارع مقدس هم بوده است (مظفر، ۱۳۷۵، ۲: ۹۱؛ خویی، ۱۴۱۷: ۲: ۱۹۶؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۱۴۲-۱۴۵). به این ترتیب، خبر واحد، مفید علم عرفی و اطمینان عقلایی است (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۰: ۲۴۳) و این اختصاص به فقه ندارد. ادله حجیت خبر واحد (ادله تعبّدی یا بنای عقلا) مطلق است و شامل مسائل اعتقادی هم می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۳: ۱۷۴-۱۷۵).

در فروع اعتقادات که یقین در موضوع آن اخذ نشده است، ظنّ معتبر مانند روایات آحاد اطمینان بخش کفایت می‌کند. سخن منکران در نفی حجیت از خبر واحد یا به اصول دین برمی‌گردد یا به خبر واحد غیر موثوق به مرتبط است. اما به استناد سیره عقلاییه که مورد تأیید شارع مقدس هم بوده است، اقامه ظنّ معتبر مانند خبر واحد ثقه می‌تواند یکی از ابزارهای شناخت در فروع عقاید دینی باشد. آنچه در سیره عقلای مهم است حصول اطمینان است که یکی از طرق به دست آوردن آن وثاقت مخبر است. (برنجکار، ۱۳۹۱: ۹۲)

لازم به ذکر است به جهت نادر بودن روایات متواتر و قطعی، عدم حجیت و کنار گذاشتن مطلق خبر واحد، موجب محرومیت از بیانات فراوانی از معصومان خواهد شد (معرفت، ۱۳۸۰: ۱۴۵) و حال آن‌که آیات (نحل: ۴۳؛ نساء: ۵۹ و...) و روایت متواتری مانند حدیث ثقلین ما را به معصومان ارجاع می‌دهند و این ارجاع اختصاص به امور عملی ندارد. همان مصلحتی که باعث رجوع به خبر واحد در اعمال می‌شود، در عقاید هم جاری است و آن لزوم دستیابی به حقایق دینی است (برنجکار، ۱۳۹۱: ۸۴).

مهم است بدانیم که حجم چشم‌گیری از آموزه‌هایی که به صورت خاص به شیعیان نسبت داده می‌شوند؛ نظیر تقیّه، بداء، رجعت، امامت خاصّه، جزییات معاد و... زیرمجموعه کلام نقلی است. میزان وجود اخبار آحاد ثقه در این نوع آموزه‌ها، درخور توجه است. از این رو، احراز اولاً حجیت و ثانیاً کمیت اخبار آحاد، در غنابخشی به منابع کلام شیعی نقش بسزایی دارد. در این میان، در میراث حدیثی شیعی، احادیثی با عنوان سلسله‌الذهب وجود دارد که در سند آن زنجیره‌ای از امامان معصوم وجود دارد. آشنایی، گردآوری و پرورش این دسته احادیث، در اعتباردهی به محتوای کلامی شیعی شایان توجه است. هر قدر بر غنا و اعتبار این مجموعه افزوده شود، آموزه‌های شیعی از پشتوانه و استحکام بیشتری برخوردار خواهند شد. این بررسی‌ها همچنین می‌تواند دسترسی ما را به سرچشمه عقاید هموار سازد و به شبهاتی مانند تکامل و تطوّر باورهای دینی در طول زمان پاسخ دهد و ما را نسبت به اصالت باورهای خود مطمئن‌تر سازد.

۳. بیان مسئله

در آثار روایی شیعه معروف‌ترین حدیث سلسله‌الذهب، حدیث مشروطیت توحید به ولایت به‌عنوان تنها راه مصوئیت و نجات است. در این روایت، وقتی سند به امام رضا علیه السلام می‌رسد، از

آن پس، امام متصلاً و زنجیره‌وار از پدران معصوم خود این روایت را نقل می‌کند تا در نهایت به خداوند ختم می‌شود. وجه نام‌گذاری آن به سلسله‌الذهب (زنجیره زرین) به جهت وجود متصل و پیاپی امامان در سند حدیث (أبا عن أب) و مختوم‌شدن آن به خداوند است. اما به‌طور کلی، تعریف جامع و مانعی از این نوع حدیث در منابع مشاهده نشده است که در آن، تعداد امام و شروع از کدامین امام لحاظ شده باشد. اگر بخواهیم حدیث معروف سلسله‌الذهب را در تعریف و بیان ویژگی این نوع احادیث از حیث سند، الگو قرار دهیم باید گفت که نقل حدیث از امام رضا^{علیه السلام} شروع و متصلاً به نقل از آباء خود به خداوند منتهی شود. اما آیا سلسله‌الذهب محدود به همین نوع سند است؟ اگر حدیثی از امام کاظم^{علیه السلام} شروع و به نقل از آباء خود به امیر مؤمنان^{علیه السلام} برسد این حدیث هم سلسله‌الذهب خواهد بود؟ وجود چند امام معصوم در سند روایت آن را سلسله‌الذهب می‌کند؟ از آن طرف، مصداق کامل این نوع حدیث آن است که سرسلسله آن خداوند باشد. اما آن روایتی که به حضرت رسول^{صلی الله علیه و آله} یا به امیر مؤمنان^{علیه السلام} ختم شود، می‌تواند به‌عنوان سلسله‌الذهب در مراتب بعدی جای داده شود؟

با توجه به این گونه‌های قابل‌تصور، به نظر می‌رسد که بتوان مراتبی را برای این نوع از حدیث، از جهت سرسلسله آن در نظر گرفت. به این معنا که مصداق کامل این نوع احادیث آن است که سرسلسله‌اش به خداوند ختم شود، سپس در مرتبه بعد، حدیثی که به پیامبر و در مرتبه بعدتر، حدیثی که به امیر مؤمنان می‌رسد، جای داده شود.

به منظور تحکیم و غنابخشی به مستندات و خزائن نقلی آموزه‌های کلامی شیعی، انتخاب ما در این مقاله بررسی و تحلیل کمی و کیفی مراتب مختلف از احادیث سلسله‌الذهبی با رویکرد امامت‌پژوهی است. در تحلیل کمی، شماره و موارد تکراری این دست روایات رصد می‌شوند و در تحلیل کیفی، محتوای روایات از حیث نوع پردازش به موضوع مطالعه می‌شوند. بنابراین در این مقاله احادیث سلسله‌الذهبی در زمینه امامت عامه و خاصه بررسی می‌شود. مرادمان از امامت عامه مسائلی مانند ضرورت وجود، ولایت، خلافت و نصب امام است و مراد از امامت خاصه مسائلی درخصوص ویژگی امامتی امامان دوازده‌گانه است.

یادآوری می‌شود احادیث سلسله‌الذهبی در دیگر موضوعات اعتقادی نیز گردآوری شده است که در مقاله دیگر به آن پرداخته می‌شود. همچنین باید گفت شأن این مقاله بررسی سندی روایت از جهت وثاقت راویان نیست و این مهم را به پژوهشگر علم حدیث وامی‌نهیم، بلکه

مقصود گردآوری و تحلیل روایاتی است که - طبق تعریف مدّ نظر در این مقاله- سلسله‌الذهب است (یعنی دست‌کم سه امام در سند آن وجود دارد) و ناظر به موضوع امامت است. اهمیت این پژوهش آماری- تحلیلی آن است که حتّی اگر بعد از پژوهش رجالی، درصدی از این روایات به جهت عدم وثاقت راوی کنار برود، رقم باقی‌مانده کمّاً و کیفّاً فاخر و وزین خواهد بود و گنجینه‌ای غنی از دلایل نقلی با سندی استوار و متیقّن در مسئله امامت را برای ما به دست خواهد داد که به طور طبیعی اعتماد به آن‌ها کاملاً معقول خواهد بود.

۴. اقسام حدیث سلسله‌الذهب

احادیث سلسله‌الذهب را از دو حیث می‌توان بررسی کرد: از حیث سند (با محوریت شروع و خاتمه آن و تعداد امامان موجود در آن) و از حیث محتوا.

آنچه در حدیث معروف سلسله‌الذهب وجود دارد، شروع نقل در سلسله امامان، از امام رضا^{علیه السلام} است. امّا حدّ ضروری و تعریف مشخصی در این باره نیست که ما را ملزم سازد سلسله‌الذهب را تنها حدیثی بدانیم که از امام رضا^{علیه السلام} شروع شده باشد، بلکه اساساً سلسله‌الذهب نامیده‌شدن این حدیث به جهت وجود زنجیره‌وار امامان معصوم در سند آن است. امّا نه تعداد امام و نه شروع از کدامین امام، در تعریف آن قید نشده است. از این رو، شاید بتوان روایاتی را هم که از امام کاظم یا امام صادق شروع و به امام حسین یا امیر مؤمنان^{علیهم السلام} ختم شده باشد، در این سلسله جای داد؛ چنانکه جناب میرحامد حسین از سند روایتی که در شأن نزول آیه اول سوره معارج آمده است، با عنوان سلسله‌الذهب یاد می‌کند؛ در حالی که نقل حدیث از امام صادق^{علیه السلام} شروع شده است (میرحامد حسین، ۱۳۶۶، ۱۰: ۶۴).

همچنین مولوی حسن وقتی می‌خواهد امام صادق^{علیه السلام} را معرفی کند می‌گوید: «سلسله سلسله‌الذهب ابا عن جدّ الی المرتضی». (همان، ۱۶: ۲۲۷)

الامام منصور بالله (از امامان زیدی) حدیثی را با سندی طولانی تا امام زین‌العابدین^{علیه السلام} ذکر می‌کند. در ادامه، این حدیث از امام سجّاد^{علیه السلام} به نقل از پدران حضرت به پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} ختم می‌گردد. وی این حدیث را سلسله‌الذهب الإبریز و الإکسیر العزیز نام می‌گذارد (منصور بالله، ۱۴۲۲ق، ۲: ۵۶۱).

در شرح الشفا نیز حدیثی آمده است که از امام باقر^{علیه السلام} شروع و به نقل از پدران به حضرت علی^{علیه السلام} ختم شده و سلسله‌الذهب نامیده شده است (قاری هروی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۴۰۵).

نویسندگان دیگر نیز در معرفی حدیث سلسله‌الذهب، شروع نقل آن را مقید به امام خاصی نکرده‌اند، بلکه وجود سلسله آباتی اهل بیت علیهم‌السلام در سند آن را برای سلسله‌الذهب بودن کافی دانسته‌اند (ر.ک. تهرانی، ۱۴۲۶ق، ۱۸: ۲۲).

بدین ترتیب به طریق اولی حدیثی که نقل آن از امامان بعد از امام رضا علیه‌السلام شروع شده باشد، می‌تواند در این مجموعه قرار داده شود.

برخی اندیشمندان در تعریف این نوع احادیث، تعداد امام و شروع از امام خاصی را قید نکرده‌اند و تنها روایت امام لاحق از امام سابق را متذکر شده‌اند؛ اما ختم سند را به پیامبر معرفی کرده‌اند (سبحانی، ۱۳۸۶: ۳۱۸).

به این گفتار می‌توان ضمیمه کرد: «از آن‌جا که پیامبر سخنی جز وحی نمی‌گوید (نجم: ۳)، سخن پیامبر قابل استناد به فرموده الهی است. امیر مؤمنان نیز باب علم نبی است (صدوق، ۱۳۶۳: ۳۴۵) که هزار هزار باب علم به روی او گشود (مفید، ۱۴۱۳ق، ۱: ۳۴)؛ پس فرموده ایشان هم به پیامبر قابل استناد است.»

بنابراین آنچه در این مقاله از حدیث سلسله‌الذهب مد نظر است حدیثی است که در سند آن حداقل سه یا چهار امام معصوم وجود داشته باشد. آخرین معصوم مورد نظر در این احادیث ممکن است نام او در سند و به‌عنوان راوی و یا ناقل آمده باشد. بدیهی است روایاتی که سرسلسله آن به خداوند، پیامبر یا امیر مؤمنان برسد، از اعتبار و اهمیت بیشتری برخوردار است.

این احادیث به لحاظ محتوا نیز گوناگون هستند. موضوع برخی از آنها اعتقادی و برخی دیگر غیراعتقادی است. بدین ترتیب می‌توان طیفی از احادیث سلسله‌الذهب را در قالب رتبه‌بندی از حیث سند و محتوا معرفی کرد. اما بنای ما در این نوشتار بررسی آن دسته از احادیث اعتقادی است که رویکرد امامت‌پژوهی دارند. شیوه کار بدین صورت است که احادیث بر اساس شروع نقل روایت راوی، پایان نقل روایت از امام و موضوع روایت، دسته‌بندی و در قالب جدول ارائه می‌شود. آنگاه پس از توصیف محتوای روایات، به مقایسه و تحلیل کمی و کیفی این روایات می‌پردازیم.

۵. تصویر جدولی احادیث سلسله‌الذهب در زمینه امامت در عیون اخبار الرضا

به منظور مقایسه و تحلیل، بایسته است که احادیث را - از حیث شروع و پایان سند و نیز

تعداد احادیث	شروع سند	آدرس حدیث	ناقل یا قائل حدیث	ختم راوی،
۱۲	امام صادق (۲) حدیث)	ج ۱. ۶. ۲۵ (ح)	امام حسین	
		ج ۱. ۶. ۳۲ (ح)	پیامبر	
	امام رضا (۹) حدیث)	ج ۱. ۲۱. ۱ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۲۰۸ (ح)	خداوند	
		ج ۱. ۲۶. ۲۰ (ح)	امیر مؤمنان	
	امام جواد (۱ حدیث)	ج ۱. ۶. ۲۹ (ح)	پیامبر	
۷	امام سجاد (۲ حدیث)	ج ۱. ۶. ۳۴ و ۳۳ (ح)	پیامبر	
	امام باقر (۱ حدیث)	ج ۱. ۶. ۱۸ (ح)		
	امام صادق (۲) حدیث)	ج ۱. ۶. ۲۵ (ح)	امام حسین	
	امام رضا (۱ حدیث)	ج ۱. ۶. ۳۲ (ح)	پیامبر	
	امام جواد (۱ حدیث)	ج ۱. ۶. ۲۹ (ح)		
۳۵	امام رضا (۳۵) حدیث)	ج ۱. ۲۱. ۱ (ح)؛ ج ۱. ۳۰. ۲۳ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۳۱ (ح)	امیر مؤمنان	
		ج ۲. ۳۱. ۲۸ (ح)؛ ج ۱. ۶. ۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۳۵ (ح)	پیامبر	
		ج ۲. ۳۱. ۱۹۱ (ح)	خداوند	
۱۰	امام رضا (۱۰ حدیث)	ج ۱. ۲۸. ۵۸ (ح)؛ ج ۱. ۳۰. ۱۳ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۲۸ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۲۳ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۳۰ (ح)	پیامبر	
		ج ۱. ۱۶. ۱ (ح)؛ ج ۱. ۲۴. ۱ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۳۱ (ح)	امام حسین	
۱۱	امام رضا (۱۱) حدیث)	ج ۱. ۱۱. ۲۶ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۲۷۵ (ح)؛ ج ۲. ۳۱. ۱۹۰ (ح)	امیر مؤمنان	
		ج ۲. ۳۱. ۱۸۲، ۲۹۹، ۳۴۳ (ح)	پیامبر	

ختم راوی، ناقل یا قائل حدیث	آدرس حدیث	شروع سند	تعداد احادیث	
پیامبر	ج ۱. ۲۸. (ح ۴۲)، ب ۳۰. (ح ۱۳، ۳۰) ج ۲. ۳۱. (ح ۲۷۷، ۲۱۶)	امام رضا (ع) حدیث	۵	عصمت امام علی
امام صادق	ج ۲. ۳۱. (ح ۳۲۰)	امام رضا (ع) حدیث	۲۱	مقام و فضایل امام علی
امام حسین	ج ۲. ۳۱. (ح ۳۱۱، ۳۰۶)			
امیر مؤمنان	ج ۱. ۲۸. (ح ۵۰)، ج ۲. ۳۱. (ح ۲۳۵، ۲۸۹، ۳۳۷)			
پیامبر	ج ۱. ۲۸. (ح ۲۲): ج ۲. ۳۱. (ح ۳۷، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۳۴، ۲۳۹، ۲۵۵، ۲۶۷، ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۱۰)			
خداوند	ج ۲. ۳۱. (ح ۳۱۶)	امام رضا (ع) حدیث	۲۶	جایگاه اهل بیت و ائمه
امیر مؤمنان	ج ۲. ۳۱. (ح ۲۹۸)			
پیامبر	ج ۱. ۲۳. (ح ۱)، ج ۲. ۳۱. (ح ۲۲)، ب ۲۸. (ح ۴۲): ج ۲. ۳۱. (ح ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۴۰، ۵۴، ۶۴، ۶۵، ۹۴، ۱۷۷، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۳۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۸، ۳۱۵، ۳۱۶)			
	ج ۱. ۲۷. (ح ۱)	امام عسکری (ع) حدیث		
پیامبر	ج ۱. ۲۶. (ح ۲۲): ج ۲. ۳۱. (ح ۵۶، ۷۸، ۲۲۵، ۲۵۲)	امام رضا (ع) حدیث	۵	مراتب ائمه
امام سجاد	ج ۲. ۳۱. (ح ۵)	امام رضا (ع) حدیث	۱۱	جایگاه حسنین
امام باقر	ج ۲. ۳۱. (ح ۱۵۹)			
پیامبر	ج ۲. ۳۱. (ح ۸، ۱۲، ۵۶، ۱۷۸، ۱۷۹، ۲۳۳، ۲۵۲، ۲۷۸، ۳۴۲)			
پیامبر	ج ۱. ۶. (ح ۳۴)	امام سجاد (ع) حدیث	۹	امام عصر
	ج ۱. ۶. (ح ۲۵)	امام صادق (ع) حدیث		
امام حسین	ج ۱. ۶. (ح ۲۷)	امام رضا (ع) حدیث		
پیامبر	ج ۱. ۲۶. (ح ۲۲): ج ۲. ۳۱. (ح ۸۴، ۱۸۱، ۲۳۰، ۲۹۴)	امام رضا (ع) حدیث		
	ج ۱. ۶. (ح ۲۹)	امام جواد (ع) حدیث		

۶. محتوای روایات براساس مسائل امامت‌پژوهی

۶-۱. ولایت امام

معیار در قبولی اعمال (صدوق، ۱۳۸۰، ۱، باب ۶، ح ۲۷؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۹۱)، کفر و ایمان (همان، ۱، باب ۶، ح ۲۸ و ۲۹) ولایت است. ولایت امام، عهدی است که خداوند از او گرفته است (همان، ح ۲۹). پیامبر در این باره تصریح نموده است که ولایت علی علیه السلام به نصب و قرارداد خداوند است (همان، ۲، باب ۳۵، ح ۶) و اول چیزی است که در قیامت بعد از شهادت به توحید و نبوت، مورد سؤال قرار می‌گیرد (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۸۱؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۲۲ و باب ۳۵، ح ۶). پیامبر نیز ولایت علی علیه السلام را اعلان کرد. (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۸۳، ۲۲۷، ۲۷۹)

نشانه پذیرش ولایت الهی، دوستی، دشمنی در راه خدا و به ولایت پیامبر درآمدن، تحت ولایت علی علیه السلام قرارگرفتن و دوستی و دشمنی با او است (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۴۰). خداوند می‌فرماید: «بنده‌ای را که دوست بدارم ولایت علی را به او می‌شناسانم و بغضم نسبت به بنده به جهت روی‌گردانیش از معرفت و ولایت علی است.» (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۹۱) راه نجات، سعادت، ایمان و اهل بهشت یا جهنم بودن بر محور اطاعت، اقرار و تسلیم به ولایت علی و اتمام به ائمه علیهم السلام و دشمنی با دشمنانش یا انکار ولایت و تقض عهد با او است (همان، ۱، باب ۲۶، ح ۲۱؛ باب ۲۸، ح ۵۸، ۴۲، ۲۲؛ باب ۳۰، ح ۳۰؛ ج ۲، باب ۳۱، ح ۲۱۱؛ باب ۳۵، ح ۶). خداوند به عزت و جلال خود قسم خورده است که تحت ولایت علی و ائمه درآمدن ورود به بهشت و روی‌گردانی از او، ورود به آتش را در پی دارد (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۵۸؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۹۱). موالی غیر علی ملعون خدا و ملانکه است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۷۱)؛ چرا که طریق غیر علی، طریق شیطان است (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۴۲؛ باب ۳۰، ح ۱۳؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۷۷).

۶-۲. ضرورت وجود امام

به فرموده پیامبر روز قیامت هر قومی به امام زمانش خوانده می‌شود و هرکس بمیرد و امامی از فرزندان پیامبر نداشته باشد، به مرگ جاهلی از دنیا رفته است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۶۱ و ۲۱۴).

۶-۳. وصایت و خلافت امام

در برخی روایات به‌صراحت، وصی و خلیفه‌بودن امامان (همان، ۱، باب ۶، ح ۲۹؛ باب

۲۶، ح ۲۲؛ باب ۲۸، ح ۴۲) و نیز خلیفه، خاتم‌الوصیین و امام بودن حضرت علی علیه السلام بعد از پیامبر مطرح شده است (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۲۶؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۲۹، ح ۳۳۹ و ۳۴۷)؛ همچنین در روایتی خداوند می‌فرماید که او خود، علی را برادر، وصی و وزیر پیامبر و خلیفه خود قرار داد (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۹۱) پیامبر نیز به علی می‌فرماید: «خداوند تو را قیم به امر دین برای بعد از من قرار داد» (همان، ح ۳۰۰).

۴-۶. عصمت و علم امام

علت برگزیده شدن خاندان پیامبر این است که کاری انجام نمی‌دهند که بدان سبب از ولایت الهی خارج شوند (همان، ۱، باب ۲۷، ح ۱: ۵۵۴). ایشان همانند کشتی نوح، وسیله الی‌الله و ریسمان محکم الهی‌اند که پیروی از آن‌ها، پیروی از خداوند و سبب نجات و تحلف از ایشان، نافرمانی از خداوند و سبب هلاکت و دوزخ است؛ زیرا حزب ایشان، حزب خداوند و حزب دشمنان آن‌ها، حزب شیطان است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۰ و ۱۷؛ همان، ۱، باب ۲۸، ح ۴۲). مانند ستارگان، مایه هدایت و امان (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۴) و در کنار قرآن، یکی از دو ثقل هستند که هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند (همان، ح ۴۰ و ۲۵۹). ایشان معصوم از هر گناه و خطایی هستند (همان، ح ۲۱۱؛ همان، ۱، ب ۶، ح ۳۰). در علم ایشان گفته شده است که پرنده‌ای پر نمی‌زند، مگر آن‌که علم آن نزد ائمه است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۵۴).

۵-۶. تعداد امامان

امامان دوازده نفرند که اول ایشان علی علیه السلام و آخر آن‌ها، مهدی علیه السلام است (همان، ۱، باب ۶، ح ۱۸، ۲۵، ۲۹، ۳۲، ۳۳ و ۳۴؛ باب ۲۶، ح ۲۲).

۶-۶. صفات امام علی علیه السلام

خدای متعال امام علی علیه السلام را چنین توصیف می‌فرماید: «خلیفه من میان بندگان، تبیین‌کننده کتاب من، اجراکننده احکام من، نشانه هدایت، دژ محکم الهی، باب‌الله، وجه‌الله، حجة‌الله» (ج ۲، باب ۳۱، ح ۱۹۱).

توصیف امام علی علیه السلام در بیان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز بدین شرح است: حجت، باب و طریق الهی، نبأ عظیم، صراط مستقیم، امام مسلمین، امیرالمؤمنین، سیدالصدیقین، خلیفه، بهترین اوصیا، صدیق و فاروق این امت، مظلوم، اول وارد در بهشت، صاحب شجره طوبی، حزب علی حزب‌الله و

حزب دشمنان علی، حزب الشیطان (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۵۸؛ باب ۳۰، ح ۱۳ و ۳۰)، یکی از ۴ سوار در قیامت، اول کسی که حق با او مصافحه می‌کند، بهترین بشر، قسیم الجنه، برگزیده خدا (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۸۹، ۲۱۸، ۲۲۸، ۲۲۵ و ۹؛ باب ۳۲، ح ۳۰).

۱-۶-۶. علم حضرت

در این باره حضرت به بطین فی العلم، باب و کلید خزانه علم پیامبر توصیف شده است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۸۲، ۲۹۹ و ۳۴۳). ایشان در روایتی بیان می‌دارد: «گویا قصرهای بلندی را اطراف مرقد حسین می‌بینم و کاروان‌هایی که از اطراف به سوی آن روانه هستند.» (همان، ح ۱۹۰) همچنین خبر می‌دهد: «عده‌ای از شما از من بیزاری می‌جوید.» (همان، ح ۲۷۵) و «زمانی می‌آید که اشرار امور را در دست می‌گیرند و نیکان کنار زده می‌شوند.» (همان، ح ۱۶۸) نیز می‌فرماید: «آیه‌ای در کتاب خدا نیست، مگر آن‌که تفسیر، مصداق، مکان و زمان نزولش را می‌دانم. نزد من علم فراوانی است.» (همان، ح ۳۱۱؛ همان، ۱، باب ۱۶، ح ۱). حضرت وارث دو کتاب از پیامبر است کتاب خدا و کتابی دیگر که در غلاف شمشیرش است و بر مبنای آن، شمشیر را به کار میندازد (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۲۲). در بیان و توضیح امام علی علیه السلام، هر کدام از حروف الفبا معنا و حقیقتی در خود نهفته دارند (همان، ۱، باب ۱۱، ح ۲۶). حضرت در روایتی طولانی بسیاری از شگفتی‌ها، اسرار خلقت و حقیقت اشیا را بیان فرمودند (همان، ۱، باب ۲۴، ح ۱).

۲-۶-۶. عصمت حضرت

باب ریزش و آمرزش گناه، کشتی نجات و راه تمسک به ریسمان محکم الهی، حبّ علی و پذیرش ولایت او است (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۴۲؛ باب ۳۰، ح ۳۰؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۱۶). حزب و طریق علی حزب الله و حزب و طریق دشمنان علی، حزب الشیطان است (همان، ۱، باب ۳۰، ح ۱۳؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۷۷).

۷-۶. مقام و فضایل امام علی علیه السلام

حبّ علی، نشانه ایمان و بغض و شک در او، نشانه کفر یا نفاق است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۱۸۷، ۱۸۵، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۶۷ و ۳۰۶). محبّ او، در قیامت هم‌درجه با پیامبران است و مبغض او، نطفه‌اش ناپاک یا یهودی الاصل است و یهودی یا نصرانی از دنیا می‌رود (همان،

ح ۲۲۱، ۲۳۴، ۳۳۷). پیامبر امر فرمودند که به حضرت با لقب امیرالمؤمنین سلام کنند (همان: ۳۱۳). امام علی علیه السلام در قیامت پرچم به دست با ندای توحید و رسالت پیامبر، او و فرزندان سوار بر مرکب‌هایی باشکوه و آراسته، راهی بهشت می‌شوند. بهشت مشتاق او و اختیار بهشت در دست او است (همان، ح ۳۷، ۱۸۹، ۳۰۷ و ۳۱۰). دارای خانواده‌ای بی‌بدیل است. به باقیمانده آب وضویش تبرک جسته می‌شد و تنها درب خانه او به مسجد پیامبر باز است (همان، ح ۱۸۸، ۳۲۰، ۳۰۳). شأن نزول آیات «الذین ینفقون اموالهم... سرا و علانیه»، «السابقون السابقون» و «الذین یرثون الفردوس هم فیها خالدون» علی است (همان، ح ۲۵۵، ۲۸۹). ناقض عهد و منکر ولایت او اهل دوزخ است (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۲۲). برای حضرت یکسان است که او به استقبال موت برود یا موت به او روی آورد (همان، ح ۵۰).

۶-۸. منزلت و جایگاه علی نزد پیامبر در بیان پیامبر

- بهترین برادر و همراه، وزیر، پرچمدار، وصی، خلیفه پیامبر، دارابودن قرابت خاص با پیامبر، منزلت هارون نسبت به موسی، صاحب حوض پیامبر، اول ایمان آورنده، اول یاور و مجاهد، اول نمازگزار با پیامبر، اول محشورشونده، اول عبورکننده از پل صراط و اول واردشونده برحوض کوثر همراه پیامبر، اول پیرو پیامبر (همان، ۱، باب ۲۱، ح ۱؛ باب ۲۸، ح ۴۶ و ۵۸؛ باب ۳۰، ح ۱۳، ۳۰ و ۲۳؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۳۹، ۲۴۷، ۲۲۸، ۲۳۷، ۲۱۵، ۲۸۰، ۲۶۳، ۲۶۲)، اداکننده دین و وعده پیامبر (همان، ۱، باب ۳۰، ح ۱۳ و ۲۳؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۲۹ و ۲۴۳).

- دعاهای پیامبر در حق او: نگه داشتن خداوند او را از سرما و گرما، دارابودن گوش‌های فراگیر حقایق، روشنی قلب، زبانی قوی (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۶۱، ۲۵۶ و ۲۴۰) و درخواستی که پیامبر از خدا خواست و همه آن‌ها به اجابت رسیدند: همراهی حضرت با پیامبر هنگام شکافته شدن قبر، هنگام توقف در میزان عمل، حامل پرچم، ساقی حوض و رهبری ائمه به سوی بهشت (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۱۶؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۳۵).

- یکی بودن خصوصیات و حالات آن حضرت با پیامبر: سخن او سخن پیامبر، بیعت، همراهی، حفظ و مراعات، محبت، نیکی، تولی، بغض، ظلم، نزاع و دشمنی به او معادل همین حالات و رفتارها با پیامبر است (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۴۶ و ۵۸؛ باب ۳۰، ح ۳۰؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۳۱، ۲۶۶، ۲۷۹، ۳۰۵، ۳۰۹ و ۳۴۲؛ باب ۳۵، ح ۱۵). هم‌طینت و نور واحد با

پیامبر، یکی بودن منشأ خلقت (از درخت واحد)، آفریده شدن پیامبر برای حضرت علی، درخواست‌های واحد پیامبر از خداوند برای خود و حضرت غیر از نبوت (همان، ۱، باب ۳۰، ح ۳۰؛ همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۱۹، ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۶۸، ۳۴۲، ۷، ۳۳۹ و ۳۱۲) از مواردی است که بیانگر جایگاه و منزلت حضرت نزد پیامبر است.

۶-۹. نصب الهی و شوون امام

وصی، خلیفه، محبوب، اظهارکننده دین خدا، برگزیده، حجت خداوند بعد از پیامبر بر مردم، بهترین مردم پس از پیامبر (همان، ۱، باب ۲۱، ح ۱؛ باب ۲۶، ح ۲۲ و ۲۰؛ باب ۲۸، ح ۴۲)، هادی، شفیع، حجت و برهان، رابطه پدر و فرزندی میان دو امام، برخورداری از علم و حکمت پیامبر، هم‌طینت با پیامبر، جدایی ناپذیر از کتاب (همان، ۱، باب ۶، ح ۲۵، ۲۹ و ۳۲)، معلمان سنت پیامبر، برگزیدگان خداوند (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۹۴ و ۲۱۱)، از قریش بودن، از صلب علی و از فرزندان حسین بودن (همان، ح ۲۷۳، ۲۰۸، ۲۱۱ و ۲۱۷)، قائم به امر خدا، فراخواننده به راه خدا و سبب دفع بلا و نزول رحمت (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۰۸) از جمله صفات و شئونی است که برای امام بیان شده است.

۶-۱۰. منزلت و جایگاه اهل بیت و ائمه

نعیم در «یسألونک عن النعیم» و اوّل چیزی که بعد از توحید و نبوت مورد سؤال قرار می‌گیرد، حبّ اهل بیت است (همان، ۲، باب ۳۵، ح ۶؛ باب ۳۱، ح ۲۵۸). حبّ اهل بیت، راه تمسک به ریسمان محکم است و امان در قیامت را در پی دارد (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۱۶ و ۲۲۰). پیامبر تنها اجر مزد و رسالت خود را مودّت اهل بیت قرار داد (همان، ۱، باب ۲۳، ح ۱). ایمان آورندگان به اهل بیت به بهشت بشارت داده می‌شوند (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۶۴). اطاعت از آن‌ها، اطاعت از خدا و دشمنی و محاربه با ایشان و تولا و عزیزداشتن غیر آن‌ها، محاربه با خداوند و موجب حلول غضب الهی است (همان، ۲۱۷ و ۳۱۶). پیامبر نیز در صلح و جنگ با کسی است که در صلح و جنگ با آن‌ها است (همان، ۲۲۳). ریختن خون عترت پیامبر و اذیت آن‌ها معادل همین رفتار با پیامبر و موجب شدت غضب خدا و رسول است (همان، ح ۱۱). حرام شدن بهشت، بی‌بهره بودن در آخرت، عذاب الیم، حشر با منافقین، شقاوت و بدعاقبتی در انتظار ظالمین و قاتلین و سائین اهل بیت است. برائت‌جوینده از فرزندان حسین کافر به پیامبر است (همان، ح ۶۵، ۱۷۷ و ۲۷۸). حزب آن‌ها، حزب پیامبر و

خدا و حزب دشمنان آن‌ها، حزب الشیطان است (همان، ۱، باب ۲۸، ح ۴۲). خداوند کرامت خود را بر ۱۴ معصوم واجب ساخته است. ارواح ایشان اولین مخلوقات خداوند است و سجده ملائکه بر آدم از آن جهت بود که ائمه در صلب او بودند. ملائکه خادم آن‌ها هستند (همان، ۱، باب ۲۶، ح ۲۲). احدی با آن‌ها مقایسه نمی‌شود؛ چنانکه در برخی احکام مستثنی هستند. محل نزول قرآن و خاستگاه رسالت (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۳۶ و ۲۹۸)، مشمول دعای خاص پیامبر (همان، ح ۹۴) و در مرکز بهشت همراه با پیامبر هستند (همان، ح ۳۱۵). داوری و رسیدگی به حساب شیعیان در قیامت با ایشان است (همان، ح ۲۱۳). دارای مقام شفاعت هستند و هر کس مورد شفاعت ایشان قرار بگیرد، نجات می‌یابد؛ هر چند سنگینی بار گناه جن و انس را داشته باشد (همان، ۲، باب ۶۶، ح ۳۳).

۱۱-۶. مراتب ائمه

پیامبر برترین فرزندان آدم است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۷۸). علی خیرالبشر (همان، ح ۲۲۵) و برتر بعد از پیامبر (همان، ۱، باب ۲۶، ح ۲۲) است و حسنین بهترین اهل زمین بعد از پدرشان هستند (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۵۶ و ۲۵۲). در روایتی، مراتب برتری پیامبر و ائمه بر سایرین چنین است: پیامبر، علی، ائمه، انبیا و ملائکه. خلقت تمام مخلوقات در گرو خلقت پیامبر و اهل بیتش است. این برتری را جبرئیل در معراج به پیامبر نشان داد. در این روایت، علّت فضل و برتری بر ملائکه، سبقت ایشان در معرفت، تسبیح، تهلیل و تقدیس بیان شده است. سپس ملائکه با مشاهده آن‌ها معرفت و هدایت یافتند و به تسبیح و تهلیل پرداختند. ایشان در صلب آدم بودند که ملائکه مأمور به سجده شدند. سجده ملائکه برای خداوند عبودیت است و برای آدم، اکرام و اطاعت است (همان، ۱، باب ۲۶، ح ۲۲).

۱۲-۶. مقام حسنین

ایشان بهترین مردم بعد از پدرشان و شاخه‌های همان درخت و اصلی هستند که پیامبر و علی از آن آفریده شده‌اند (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۵۲، ۲۳۳ و ۳۴۲). آقای جوانان و زینت اهل بهشتند. فرزندان دل‌بند پیامبرند (همان، ح ۱۲، ۵۶ و ۸). قاتل امام حسین بدترین ائمه است، مبتلا به عذاب دردناک و خلود در آتش خواهد شد. مشمول شفاعت پیامبر قرار نمی‌گیرد، بلکه خداوند خود منتقم خون حسین است (همان: ۲۷۸، ۱۷۸، ۵ و ۱۷۹). هفتاد

هزار ملک غبار آلود برگرد قبر امام حسین تا قیامت گریان هستند (همان، ح ۱۵۹).

۱۳-۶. امام عصر علیه السلام

پیامبر به طور قطع، اخبار به قیام قائم داده و فرموده است که قیامت برپا نمی‌شود، مگر آن‌که قائم قیام کند. سپس حضرت را با این ویژگی‌ها معرفی می‌کند؛ از جمله از اهل بیت، خلیفه خدا و خلیفه پیامبر، نجات در پیروی و هلاکت در تخلف از او (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۲۳۰)، از فرزندان حسین (همان، ح ۲۹۴)، آخرین وصی پیامبر (همان، ۱، باب ۶، ح ۳۴). برخی روایات در بردارنده نشانه‌های ظهور و وظایف حضرت حجت است؛ مانند حاکمیت به عدل، اقامه حدود الهی، ظهور با پرچم، قیام با شمشیر، مبارزه با ظلم و کفر (همان، ح ۲۷ و ۲۹). به فرموده پیامبر برترین اعمال امت، انتظار فرج است (همان، ۲، باب ۳۱، ح ۸۴)؛ اما به این نیز توجه داده است که نبرد با ما در آخر الزمان به منزله همراهی با دجال است (همان، ح ۱۸۱). خداوند به وسیله آخرین حجت خود، زمین را از دشمنانش پاک می‌کند، او را مالک شرق و غرب زمین می‌سازد، بادها و ابرها را مسخر او و او را با ملائکه‌اش یاری می‌دهد (همان، ۱، باب ۲۶، ح ۲۲).

۷. تحلیل و جمع‌بندی

در بررسی این روایات دو گونه تحلیل ارائه می‌دهیم: تحلیل کمی و تحلیل کیفی.

۷-۱. تحلیل کمی

- مطابق نمودار (بدون در نظر گرفتن موارد تکراری)، ۱۳۵ حدیث در زمینه مسائل امامت‌پژوهی وجود دارد که از این تعداد ۲۰ روایت درباره «ولایت امام» و دست‌کم ۸۰ روایت در خصوص صفات، مقام و فضایل امیر مؤمنان علیه السلام است.

- ۱۲۳ حدیث از این تعداد، از امام رضا علیه السلام منقول است که سند ۴ حدیث از آن به خداوند و بیشتر تعداد باقیمانده به پیامبر صلی الله علیه و آله ختم می‌گردد.

- دو روایت با طولانی‌ترین سند (از امام عسکری تا پیامبر صلی الله علیه و آله) درباره «عصمت» و «ولایت امام» است.

- ۴۲ حدیث پیرامون مسائل امامت عامه (ضرورت وجود، نصب، ولایت، وصایت، عصمت و شئون امام) و تقریباً ۹۴ حدیث در امامت خاصه است (قید تقریباً از این روست که

ممکن است برخی روایات هم در امامت عامه هم خاصه کاربرد داشته باشد).
- با توجه به آمار کل احادیث سلسله‌الذهب با رویکرد اعتقادی (که طبق پژوهش انجام شده ۲۲۹ حدیث است)، ۱۳۵ حدیث در زمینه مسائل امامت است.

اختصاص این حجم روایت به موضوع امامت و مسائل پیرامون آن دال بر اهمیت آن نزد ائمه و نیز تأییدی بر روایات «خلفائی اثنی عشر» و حقایق شیعه اثنی عشری است.

۲-۷. تحلیل کیفی

محوریت ولایت در اعتقادات نوع سخنان و توصیف‌های به‌کار رفته بیانگر میزان اهمیت ولایت است. تعابیری همچون معیار دوستی و دشمنی با خدا و تحت ولایت‌الله قرار گرفتن، شرط توحید، معیار کفر و ایمان، معیار قبولی اعمال، در کنار توحید مایه نجات و امان بودن، در کنار توحید و نبوت مورد سؤال قرار گرفتن در قیامت و در نهایت، وجود طولانی‌ترین سند و نیز بیشترین روایت درباره ولایت امام، نشان از محوریت و اهمیت افزون این موضوع و دغدغه ائمه نسبت به آن است و شاید بتوان به همین دلیل، این آموزه را «روح تشیع» نامید.

اشتراک مسئله ولایت در کنار مسئله توحید برای نجات و در امان بودن که در حدیث معروف سلسله‌الذهب در بیان امام رضا^{علیه السلام} آمده است (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۲۵؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۷۱)، علاوه بر برجسته‌کردن نقش محوری ولایت امامان، اهمیت اعتقاد و پذیرش ولایت امام رضا^{علیه السلام} را می‌رساند؛ زیرا طبق نقل فرقه‌شناختی، معتقد به ولایت امام رضا^{علیه السلام}، شیعه اثنی عشری است که تا امام دوازدهم را امام منصوب می‌داند. از این رو، بنا به یک تعریف این گروه را «قطعیه» می‌گویند (ر.ک. الرسی، ۱۴۲۱ق، ۱: ۵۳۸؛ بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۴۷؛ اشعری قمی، ۱۳۶۰: ۲۳۶؛ شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۳۹؛ اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۷-۱۸)، البته فرقه‌نویسانی هستند که در همین دوره فرقه‌هایی را به شیعیان نسبت داده‌اند. اما ظاهراً آن‌ها هم مهم نبوده‌اند و یا اصلاً انتساب‌شان به‌عنوان یک فرقه نادرست است.

از گزارش فرقه‌نویس‌ها به دست می‌آید که پیدایش انواع فرقه‌های مهم شیعی را تا زمان امام هفتم شاهد هستیم. بعد از امام رضا^{علیه السلام} گرچه از وجود فرقه‌های گوناگون نام برده شده است، اما این‌ها یا به «واقعیه» (توقف بر امام هفتم) برگشتند یا انسجامی نداشتند و در اندک زمانی از بین رفته‌اند، بلکه بیشتر معتقدان به امام رضا^{علیه السلام} که تداوم داشته‌اند، اثنی عشری هستند (ر.ک. معتزلی، ۱۹۶۵م: ۱۷۶؛ اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۷-۱۸؛ شهرستانی، ۱۳۶۴، ۱: ۱۹۸-۱۹۹). رواج

تفرّق و انشعابات شیعی در زمان ائمه، به‌ویژه تا امام هفتم می‌رسند که اعتقاد صحیح به ولایت امام از مسائل و نیازهای مطرح مردم آن دوران بوده است. این‌ها همه قرآنی است که پیوند مسئله ولایت و تشیع اثنی‌عشری با امام رضا علیه‌السلام و نیز میزان فعالیت و موقّیّت امام رضا علیه‌السلام در تحکیم این آموزه‌ها را قوّت می‌بخشد.

ضرورت و اهمّیت وجود امام برحق مردن در حال عدم شناخت امام هر زمان، مردن به مرگ جاهلی و کفر است. در این باره دو روایت با سند سلسله‌الذهب وارد شده است که علاوه بر ضرورت و نیز اهمّیت وجود امام، بر حق بودن امام از آن قابل برداشت است. پرواضح است که شناخت در اینجا مراد شناخت لفظ نیست، بلکه شناخت حقیقی مراد است که فقدان آن، عارضه‌ای در پی دارد. شناخت حقیقی آن‌جا است که متعلّق آن، قابلیت وجود داشته باشد. ترتّب اثر حاکی از وجود است. امام به‌ضرورت موجود است که عدم شناختش دارای پیامد است. این پیامد سنگین و ناگوار، گواه بر این است که آن امام باید امام بر حق باشد.

پاسخ به شبهه عدم نصب الهی و تنصیص امام از سوی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مطابق تعدادی از این احادیث به‌فرموده خداوند، امام برگزیده و حجّت خدا بر مردم است. این تعبیر نشان از نصب امام از سوی خداوند است؛ زیرا حتّی قائلان به عدم نصب الهی، به امام و پیشوایی که به‌گزینش و نصب مردم است، حجّت خدا اطلاق نمی‌کنند. همچنین تصریح به وصایت و خلافت ائمه نسبت به پیامبر در ۹ روایت، به‌روشنی گویای آن است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جانشینان خود را به شیوه نص تعیین کرده است. همچنین چه‌بسا خود ویژگی سلسله‌الذهب، یعنی نقل هر امام از امام پیشین به‌نحو تلویحی، تأییدی بر همان نصب باشد.

امام، انسان کامل در میان ویژگی‌ها و افتخارات منحصر به‌فردی که در خصوص ائمه وارد شده است، محبّت و پذیرش ولایت آن‌ها بسیار جلوه‌گر و معیار است. تحت ولایت و اطاعت الهی در آمدن، نجات و در امان ماندن از عذاب، اول چیزی که مورد سؤال قرار می‌گیرد، اجر و مزد رسالت، همه در گرو محبّت و پذیرش ولایت ائمه است. این حقایق، تنها در سایه انسان کامل بودن و عظمت مرتبه امامان در عالم کائنات توجیه‌پذیر است.

در دسته‌ای از این روایات، ضمن بیان رابطه پدر و فرزندی میان امامان و هم‌طینت‌بودن با پیامبر، امام با صفاتی همچون معلّم سنت پیامبر، قائم و فراخواننده امر خداوند، هادی، حجّت، پیشوا و... معرفی شده است که بیانگر شأن هدایت‌گری، علمی و اجرایی اوست.

گستره علم امام توصیف امام به خزانه حکمت خداوند و تصریح پیامبر به علم امام به هر آنچه در عالم رخ می‌دهد، حاکی از گستردگی علم امام است. در تعدادی از روایات سلسله‌الذهبی نیز ضمن اعتراف صریح امام علی علیه السلام به علم فراوانی که نزد او است، پیامبر و امام در برخی زمینه‌ها اخبار و پیشگویی‌های نسبت به آینده بیان کرده‌اند که بیانگر فراگیری علم ایشان نسبت به آینده است.

پاسخ به شبهه عصمت امام از مهم‌ترین اعتقادات کلامی شیعیان در بحث امامت، عصمت امام است. با وجود این که شیعیان در این آموزه با دیگر مذاهب اسلامی تفاوت معناداری دارند، اما در میان خود از یکدستی چشم‌گیری برخوردار هستند. از محتوای روایتی از روایات مورد بحث که دارای طولانی‌ترین سند از امامان معصوم است، مسئله عصمت قابل‌برداشت است. طبق این روایت، خاندان پیامبر برگزیده خداوند هستند؛ زیرا آنچه سبب خروج از ولایت الهی و مانع از عصمت و محافظت خداوند است، از ایشان سر نمی‌زند. همین تعبیر در این روایت درباره ملائکه هم به‌کار رفته است. از آن‌جا که طبق آیات قرآن ملائکه از خداوند نافرمانی نمی‌کنند (تحریم: ۶) و حقیقت گناه، خروج از ولایت تشریحی خداوند و ورود به ولایت شیطان و طاغوت است، می‌توان عصمت را از این روایت استظهار کرد. این روایت از آن جهت که دارای طولانی‌ترین سند و دربردارنده بیشترین معصوم در سند روایت است (از امام عسکری علیه السلام تا پیامبر صلی الله علیه و آله)، دارای اهمیت است. گذشته از آن که در دو روایت سلسله‌الذهبی تصریح به عصمت امام شده است، از مضامین روایات متعدّد دیگر معنای عصمت قابل‌استنباط است. تشبیه اهل‌بیت به کشتی نجات، تضمین امان و نجات در تمسک و پذیرش ولایت ایشان و تصریح این مطلب در روایات متعدّد، گواه بر عصمت تامّ ایشان است؛ زیرا از نظر عقلی و منطقی، خطاکار، شائیت نجات و امان در این مقیاس فراگیر را ندارد. همراهی و عدم مفارقت ایشان از قرآن، با توجه به تحت‌الحفظ بودن قرآن توسط خداوند (حجر: ۹) و عدم راهیابی باطل به قرآن (فصلت: ۴۲)، در صورتی موجّه و معنادار است که امام هم تحت‌الحفظ خداوند و معصوم از باطل باشد. همچنین از هم‌راستا بودن اطاعت و نافرمانی امام با اطاعت و نافرمانی خداوند و تصریح به الهی بودن حزب امام و شیطانی بودن حزب مقابل امام، به روشنی معنای عصمت قابل‌برداشت است.

اهلیت و افضلیت امام علی علیه السلام برای خلافت بلافصل دیگر از موضوع‌های قابل‌توجه، اختصاص حدود ۸۰ روایت به ذکر فضایل امیر مؤمنان و جایگاه او نزد پیامبر است. سند سلسله‌الذهبی اکثر

این روایات با امام رضا علیه السلام شروع و به پیامبر صلی الله علیه و آله ختم می‌گردد. این روایات اتمام حجّتی بر شایستگی حضرت برای جانشینی بلافصل پیامبر است. این شروع و خاتمه سند، نشان از آن دارد که این مسئله مورد تأکید همه ائمه بوده است و همواره امامان هر دوره‌ای آن را یادآوری می‌کردند. **علی نفس علیه السلام و جان پیامبر صلی الله علیه و آله** تعابیر گوناگون و مکرّر در روایات متعدّد سلسله‌الذهبی به روشنی یکی بودن حضرت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در منشأ، حالات، رفتارها و ویژگی‌ها (به جز مقام نبوت) را به دست می‌دهد و مؤید این بیان است که مصداق «انفسنا» در آیه ۶۱ آل عمران، حضرت علی علیه السلام است.

پاسخ به شبهه انکار مهدویت روایاتی با سند سلسله‌الذهب در معرفی دوازدهمین حجّت الهی و شأن و وظایف او موجود است. در این روایات امام عصر با عنوان آخرین وصی پیامبر از فرزندان امام حسین معرفی شده است. این روایات می‌تواند شاهدی بر واقعیت شبعه اثنی‌عشری نیز باشد. پرداختن به مسئله ظهور و نشانه‌های آن در این روایات، حتمیت قیام و ظهور را به دست می‌دهد.

پاسخ به شبهه تطوّر برخی مفاهیم شیعی تصوّر و باوری وجود دارد که مفاهیمی مانند عصمت امام، علم مستفاد امام به غیب (ر.ک. مدرسی، ۱۳۸۹: ۶۶-۱۰۶)، تعداد و نام امامان دوازده‌گانه (القفاری، ۱۴۱۴ق، ۲: ۶۶۵-۶۶۷)، مفاهیم اصیل و ریشه‌داری در تاریخ تشیع نیستند، بلکه به تدریج و در گذر زمان، تکامل یافته و شکل گرفته است.

آنچه در بررسی این روایات به دست آمد، می‌تواند پاسخی به شبهه تطوّر در مفاهیم شیعی (دست‌کم در مفاهیم اصولی همچون ولایت و امامت و برخی شئون و اوصاف اساسی) باشد. ملاحظه شد برخی مفاهیم مانند ولایت، وصایت، تعداد ائمه، عصمت و... در طول زمان و در تمام دوران امامت ائمه مطرح بوده است.

تکرار یک آموزه از پیامبر یا امام اول تا امام هشتم، نهم و یازدهم، بدین معنا است که تطوّر در این خصوص اتفاق نیفتاده است. چه بسا ائمه این تعالیم را به اصل و منشأ آن ارجاع داده‌اند تا بر همین نکته تأکید نمایند.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش ۴۶۰ روایت با سند سلسله‌الذهب از عیون اخبار الرضا در موضوع‌های مختلف به دست آمد. نتایج بررسی این روایات بدین شرح است:

- ۱- ۲۲۹ روایت در موضوعات اعتقادی و ۲۳۱ روایت در موضوعات متفرقه است.
 - ۲- اکثر این روایات به پیامبر ﷺ مختوم است.
 - ۳- بیشترین موضوع مطرح در روایات اعتقادی، حول محور امامت، به‌ویژه ولایت امام و فضائل امیر مؤمنان ﷺ است.
 - ۴- در موضوع امامت و ولایت، بیشترین نقل از امام رضا ﷺ است.
 - ۵- پیوند مسئله ولایت با امام رضا ﷺ، افزون بر آن‌که بر اقتضانات و نیاز مردم آن دوران گواهی می‌دهد، نشان از مقومیت «ولایت» در نظام توحیدی است.
 - ۶- تصریح به نام امامان دوازده‌گانه، صفات آن‌ها، به‌ویژه در ارتباط با شأن هدایت‌گری، تصریح به وصایت و خلافت ایشان، از مواردی است که وجود روایات سلسله‌الذهبی درباره آن‌ها اهمیت‌شان را دوچندان می‌نماید.
- شایان ذکر است که پژوهش‌های آماری-تحلیلی پیرامون احادیث کلامی شیعی، خاصه با ویژگی سلسله‌الذهبی و اتقان سندی، می‌تواند در راستای اعتبار، شفافیت و حقانیت عقائد شیعی ثمربخشی داشته باشد. این احادیث به جهت ویژگی سلسله‌الذهبی‌شان شایستگی پاسخ‌دهی متقن به برخی شبهات کلامی را دارند و به این ترتیب ما را به اصالت باورهای خود مطمئن‌تر می‌سازند.

منابع

قرآن مجید.

۱. اشعری قمی، سعدبن عبدالله، (۱۳۶۰)، *المقالات والفرق*، چاپ دوم، تهران، علمی فرهنگی.
۲. اشعری، ابوالحسن، (۱۴۰۰ق)، *مقالات الاسلامیین*، چاپ سوم، آلمان، شتاینر.
۳. برنجکار، رضا، (۱۳۹۱)، *روش‌شناسی علم کلام*، قم، علمی فرهنگی دارالحدیث.
۴. بغدادی، عبدالقاهر، (۱۴۸ق)، *الفرق بین الفرق*، بیروت، دارالجهیل.
۵. تهرانی، محمدحسین، (۱۴۲۶ق)، *امام‌شناسی*، چاپ سوم، مشهد، علامه طباطبایی.
۶. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
۷. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۷ق)، *مصباح الاصول*، بی‌جا، بی‌نا.
۸. الرّسی، قاسم بن ابراهیم، (۱۴۲۱ق)، *مجموعه کتب و رسائل*، صنعاء، مؤسسه امام زیدبن‌علی.

۹. رضایی، غلامرضا و گوهری بخشایش، یحیی، (۱۳۹۲)، «اعتبارسنجی خبر واحد در عقاید دینی»، *کلام اسلامی*، ش ۸۵، ص ۵۹-۸۰.
۱۰. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۶)، *العقیده الإسلامية*، چاپ سوم، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۱. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم، (۱۳۶۴)، *الملل والنحل*، چاپ سوم، قم، شریف رضی.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، *شیعه در اسلام*، چاپ دهم، بوستان کتاب.
۱۳. طبرسی احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۱۴. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۶ق)، *الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد*، چاپ دوم، بیروت، دار الاضواء.
۱۵. طوسی، نصیرالدین، (۱۴۰۷ق)، *تجرید الاعتقاد*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۶. عزیزان، مهدی، (۱۳۸۷)، «بررسی حجیت روایات آحاد در مسائل اعتقادی»، *نشر معرفت*، ش ۱۳۲، صص ۵۹-۷۲.
۱۷. علم الهدی، سیدمرتضی، (۱۴۱۰ق)، *الشافی*، چاپ دوم، تهران، مؤسسه الصادق علیه السلام.
۱۸. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۴۱۳ق)، *مدخل التفسیر*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۹. فیض کاشانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام علی علیه السلام.
۲۰. قاری، ملاعلی، (۱۴۲۱ق)، *شرح الشفاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۱. القفاری، ناصر، (۱۴۱۴ق)، *اصول مذهب الشیعه*، بی جا، بی نا.
۲۲. قمی، علی بن بابویه (شیخ صدوق)، (۱۳۶۳)، *الأمالی*، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی.
۲۳. _____، (۱۳۸۰)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.*
۲۴. _____، (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
۲۵. _____، (۱۴۰۳ق)، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین.
۲۶. کلینی، ابوجعفر، (۱۳۶۵)، *کافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. لاهیجی، فیاض، (۱۳۸۳)، *گوهر مراد*، تهران، نشر سایه.
۲۸. لکهنوی، میرحامد حسین، (۱۳۶۶)، *عقبات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار علیهم السلام، چاپ دوم، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین.*
۲۹. مدرس طباطبایی، حسین، (۱۳۸۹)، *مکتب در فرآیند تکامل*، چاپ هشتم، تهران، کویر.
۳۰. مظفر، محمدرضا، (۱۳۷۵)، *اصول فقه*، قم، اسماعیلیان.
۳۱. معتزلی، عبدالجبار، (۱۹۶۵م)، *المغنی*، قاهره، الدار المصریه.
۳۲. معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۰)، «کاربرد حدیث در تفسیر»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، شماره اول.
۳۳. مفید، محمدبن نعمان، (۱۴۱۳ق)، *الإرشاد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۴. المنصور بالله، (۱۴۲۲ق)، *مجموع رسائل*، صنعاء، مؤسسه امام زیدبن علی.